

### قلمرو زبانی ( ۷ نمره )

۰,۷۵	<p>در گروه کلمات زیر ، معنی سه گروه <u>کاملاً</u> درست آمده است ، مشخص نمایید.</p> <p>الف ( مرشد : مراد ، پیر ، سالک )          ب ( کافی : با کفایت ، لایق ، کار آمد )          ج ( بی شائبه : بدون آلودگی ، با خلوص نیت و صداقت ، پاک ، خالص )          د ( درایت : آگاهی ، دانش ، مَنش )          ه ( وجد : سرور ، شادمانی ، خوشی )</p>	۱
۰,۷۵	<p>معانی لغات مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف ( یا قرض من از <u>خزانه</u> غیب رسان / یا از کرم خودت مرا ساز غنی )          ب ( در <u>شریعت</u> معنی دیگر <u>مجو</u> / غیر ضو در باطن گوهر <u>مجو</u> )          ج ( با سهم جنگ تو ز <u>نهیب</u> کمند تو / از حلقه ی کمر بهراسد دل سوار )</p>	۲
۱,۵	<p>املای صحیح را انتخاب نمایید.</p> <p>الف ( به غلامیت جمله ( منسوب / منصوب )یم / رد مکن گر چه زشت و معیوبیم )          ب ( ز کوی میکده برگشته ام ز راه خطا / مرا دگر ز کرم با ره ( صواب / ثواب ) )          ج ( چون تو فرمان دهی آن روز روان باشد کار / چون تو فرمان ندهی کار بماند ( محمل / مهمل ) )          د ( چون یوسف تهمت زده ، از پاکی دامن / در چشم عزیزان جهان ( خار / خوار ) گشتیم )          ه ( بهار آمد ، نبود اما ( حیاتی / حیاطی ) / در این ویران سرای محنت آور )          ز ( چونت گوید نماز کن ( بگزار / بگذار ) / چونت گوید مکن ، برو مگذار )</p>	۳
۰,۷۵	<p>نقش ضمائر و کلمات مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف ( از در خویشمِ مران کاین نه طریق وفاست )          ب ( غلام آن لب ضحاک و چشمِ فتانم / که کید و سحر به ضحاک و سامری آموخت )          ج ( در صدای کوه افتد بانگِ من چون بشنوی / جفت گردد بانگِ گُه با نعره و هیهای من )</p>	۴
۱	<p>عبارت زیر را بخوانید و به سوالات پاسخ دهید.</p> <p>" شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ، شاعر و عارف معروف قرن ششم ، کتاب اسرار نامه را به جلال الدین خرد سال هدیه داد و به پدرش گفت : زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند "</p> <p>الف ( یک شاخص بیابید . )          ب ( یک حرف هم پایه ساز ، یک حرف عطف و یک حرف وابسته ساز مشخص نمایید . )</p>	۵
۰,۲۵	<p>تعداد جمله های ساده و مرکب را بنویسید.</p> <p>او چون گل نوروژی ، من ابر بهارانم / شاداب بُود این گل تا چشم تری دارم</p>	۶
۰,۲۵	<p>جمله ی زیر را مجهول نمایید.</p> <p>علی ، نامه را نوشته بود</p>	۷

۰,۵	معنی فعل های مشخص شده را بنویسید. ز فکر تفرقه باز آی تا <u>شوی</u> مجموع / به حکم آن که <u>شد</u> اهرمن سروش آمد	۸
۰,۲۵	نوع کلمه ی دیگر ( صفت یا ضمیر مبهم ) را بررسی نمایید. گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم / گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید	۹
۰,۵	وابسته ی پیشین بیابید. هر انسانی ، پاک متولد می شود / روز شهادت شهید مطهری را روز معلم نامیده اند	۱۰
۰,۵	فقط دو عبارت شامل نقش تبعی هستند ، بیابید و نوع آن را بنویسید. الف ) با پری رویان ، به خلوت روی در روی آوری / خویش را دیوانه سازی و پری خوانی کنی ب ) ساقی بیا و باده ده اکنون که فرصت است / مطرب بزن ترانه که فرصت غنیمت است ج ) قبیله ها همه عاشق شوند با تو ولی / قبیله ای است که مجنون شوند لیلا را د ) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست	۱۱
<b>قلمرو ادبی ( ۵ نمره )</b>		
۰,۷۵	آرایه های " حس آمیزی ، حسن تعلیل ، پارادوکس " را در ابیات زیر مشخص نمایید. الف ) حسن ادب از شیشه بیاموز که هر دم / خم گشتن او پیش قدح بهر سلام است ب ) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است / هر که فانی می شود موجود می دانیم ما ج ) از خون چو داغ لاله حصار دل من است / هر جا که بوی خون شنوی ، منزل من است	۱۲
۰,۵	" جناس " و " ایهام تناسب " را بیابید نیست از پیچش موی تو مرا روی رهایی / کاین بلایی است که پابند من از روز الست است	۱۳
۱,۲۵	در بیت زیر آرایه های خواسته شده را بیابید. از رشک آفتاب جمالت بر آسمان / هر ماه ، ماه دیدم چون ابروان توست تشبیه جناس همسان تشخیص تناسب حسن تعلیل	۱۴
۱	نویسندگان آثار زیر را بنویسید. فرهاد و شیرین تحفه الاحرار	۱۵

	زنداد موصول	اسرار التوحيد
۱۶	ابیات را کامل نمایید الف ( عاقبت از خامی خود سوخته / ..... ب ( ..... / ماند غرامت زده از کار خویش ج ( پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست / .....	۱,۵
	<b>قلمرو فکری ( ۸ نمره )</b>	
۱۷	برای هر آیه و عبارت عربی ، یک بیت شعر هم مفهوم مشخص نمایید. الف ( العبد یدبر و الله یقدر ب ( فقولاً قولاً لیناً ج ( انی اعلم ما لا تعلمون د ( انا عرضنا الامانه علی السماوات ... ه ( علم آدم الاسماء کلها	۱,۲۵
	۱ ( نداشت طاقت این بار آسمان و زمین / ظلوم ماست که شد حامل امانت عشق ۲ ( دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب / ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم ۳ ( گر کار تو نیک است و به تدبیر تو نیست / ور نیز بد است هم ز تقصیر تو نیست ۴ ( فرشته عشق نداند که چیست قصه مخوان / بیار جام شرابی به خاک آدم ریز ۵ ( آدمی را او به خویش اسما نمود / دیگران را ز آدم اسما می گشود	
۱۸	زوج ابیات را مشخص نمایید. ۱ ( نازنین یار من ار ناز کند یا که نیاز / خبر ناز و نیازش تو به صد ناز بیار ۲ ( گوشم شنید قصه ایمان و مست شد / کو قسم چشم صورت ایمانم آرزوست ۳ ( هر چه گویند آخری دارد به غیر از حرف عشق / این همه گفتند و پایان نیست این افسانه را ۴ ( ناز تو و نیاز تو شد همه دل پذیر من / تا ز تو دل پذیر شد ، هستی ناگزیر من ۵ ( ای عاشقان ای عاشقان هنگام کوچ است از جهان / در گوش جانم می رسد طبل رحیل از آسمان ۶ ( بدین صفت که در آفاق صیت (= آوازه) شعر تو رفت / نرفت دجله که آبش بدین روانی نیست ۷ ( گفت بر من ختم شد اسرار عشق / جمله ی شب می کنم تکرار عشق ۸ ( چون خطاب یار شیرین لذیذ / مست کرد آن بانگ آبش چون نبیذ (= شراب) ۹ ( من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب آبادم ۱۰ ( چون که با کودک سر و کارت فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد	۱,۲۵
۱۹	برای هر عبارت ، یک بیت هم مفهوم بیابید. الف ( یاران من ! اگر جنگ چیزهای ارزشمندی از ما گرفت در مقابل درهایی را به روی ما گشود	۱

	<p>ب) آن چه بود اول می گریختی و این چیست که امروز در می آویزی؟ آن روز گیل بودم می گریختم، امروز همه دل شدم، در می آویزم</p> <p>ج) هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ی ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می پذیرفت</p> <p>د) عزیزترین رفقای من حُسن سیرت را با صباحت توام داشت</p> <p>۱) تو گیل بُدی و دل شدی جاهل بُدی عاقل شدی / آن کاو کشیدت این چنین آن سو کشاند کش کشان</p> <p>۲) نکو روی و خوش خوی و زیبا خصال / ز پانصد یکی را فزون است سال</p> <p>۳) راست می گویم عدو هم یار توست / هستی او رونق بازار توست</p> <p>۴) به خدایی که از مشیت اوست / رنج رنجور و شادی مسرور</p>	
۴,۵	<p>مفهوم هر یک را بنویسید. (مختصر و رسا لطفاً):</p> <p>الف) صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت موسی ز جیب</p> <p>ب) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن</p> <p>ج) با زمانی دیگر انداز که ای پندم می دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست</p> <p>د) مسکین خَرک آرزوی دم کرد / نایافته دُم، دو گوش گم کرد</p> <p>ه) حکایت نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند</p> <p>و) زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند</p> <p>ز) به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا</p> <p>ح) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول رنگ این ویرانه ویران ریختند</p> <p>ط) به آنچه می گذرد دل مَنه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشتن در بغداد</p>	۲۰